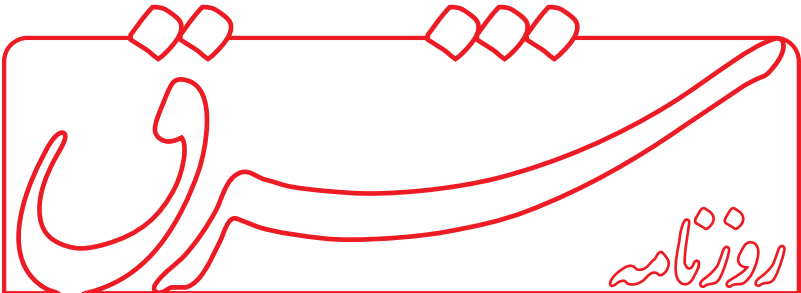




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشدیا، پلاک ۶
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹ و ۸۸۸۰۷۱۹ نامبر: ۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۲۳-۸۸۸۱۴۳۳
توزیع شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharhdaily.ir

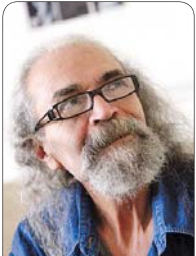
تهران : اذان ظهر ۱۳:۱۷ اذان مغرب ۱۷:۴۴ اذان صبح فردا ۵:۴۲ طلوع آفتاب ۷:۰۹



شنبه ۵ بهمن ۱۳۹۲ ۲۳ ربیع‌الاول ۱۴۳۵ ۲۵ ژانویه ۲۰۱۴ سال یازدهم شماره ۱۹۳۶ صفحه ۱۶

«خانه زاد خورشید» مجوز گرفت

شرق: چهارمین مجموعه شعر محمدمحسن سوری (سپهر) با نام «خانه‌زاد خورشید» اوایل اسفند منتشر می‌شود. این مجموعه غزلی مشتمل بر ۴۸ غزل سروده شده در سال‌های اخیر است که شاعر از میان بیش از ۲۰۰ غزل نو آن را انتخاب کرده است. سوری درباره روند انتشار این مجموعه گفت: «مجموعه غزل «خانه‌زاد خورشید» پس از نزدیک به دو سال که در دولت قبل منتظر مجوز ماند و با گرفت‌و‌گیرهای فراوان اعم از ممیزی یا تغییراتی در مجموعه شعرها و حذف برخی از غزل‌ها و جایگزینی شعرهای دیگر، در دولت یازدهم مجوز انتشار گرفت.



قلم انداز

تماشای جشن پنهانی خانه‌ها و باغ‌ها
یاد آور مجالس «عقدغیایی»
۲۰، ۳۰ سال پیش



سیروس ابراهیم‌زاده

● صدای پای منقطع مرد در کوچه سرازیری. در انتهای دو در آهنی به یک اندازه کدام را بزند؟ هر دو کاشی سپید هر دو سی‌صدوسی. بروی چینه دیوار باغ همسایه تن هزار شاخه پیچک. هوای پاک غروب و عطر ملتهب واپسین تابستان. درون خانه سگی در هراس می‌غردد... و زنگ خطر (ضرورت حضور بیگانه). - کیست؟ کیست؟ شما؟ آه! یک لحظه صبر. این سگ رهاست. می‌بخشید! برو ببند بچه جان تو حیوان را! نه دزد نیست میهمان است. جر و بحث نکن... حبیب خداست! اگر چه... برو زودتر. دری باز می‌شود. در دیگر نیز. در این بساط گویا امشب شب غروبسی فرهاد است. شیرین در خواب و داماد در سفر. باغ در حال‌ای از سکوت سربی روز و خانه روشن است به نوری که همسایگان نبینند. کنار بستر شیرین شبیه سفره عقد تصویر آینه‌ای. دو شمع‌دان. کله آب... و یکی ماهی مرده قرمز رنگ، و مرد آه می‌کند دست منوچهر بسته است. زهره چنگ در چنگ می‌زند صدایی اما بر نمی‌خیزد، و ناهید نمی‌رقصد. هیئت! مرد به یاد نسل منقرض عاشقان خوب قدیمی آه می‌کشد. - خوش آمدید. بروی چشم قدم‌هاتان. سکوت. یعنی که خوش گذشت!

در بسته می‌شود. صدای سگ و راهی. مرد سربالایی شب را سینه‌خیز سینه‌خیز می‌شکافد.

پشت جلد

خبر شناسی!



کریم ارغنده‌پور

● بسیاری از مفاهیم آشفته شده‌اند. خبر هم یکی از آنهاست. خبر زیاد است ولی بی‌خبری بیشتر است. نه از بابت عدم انتشار، بلکه به‌خاطر نوعی اغتشاش مثل رادیوی از تنظیم افتادگی که به‌جای صدای موزون و صاف، گاهی صداهای ناهنجار در آن می‌پیچد و گوش را آزار می‌دهد. واقعیت این است که اگر انبوه صفحات خبری دیجیتالی و کاغذی و صدا و تصویری را روزانه ببینی یا بشنوی، بعید است خبر چندانی در آنها پیدا کنی. این به آن معنا نیست که واقع رخ نمی‌دهند، سهل است که همین جلو چشمانمان می‌بینیم که اخبار فراوان است یا می‌دانیم که باید باشد ولی به‌دلیل همان آشفتنی که دلائل متنوع است بروزی نمی‌یابد. بیشتر آنچه تحت عنوان خبر بسته‌بندی و عرضه می‌شود، اصلاً خبر نیست. مثلاً دیدار یک وزیر با معاونانش واقعاً چه ارزش خبری‌ای دارد؟! هیچ‌چون به‌طور معمول جلسات و دیدارهای داخلی یک وزارتخانه، کار عادی و مفروض است ولی چون بسیاری از روابط‌مومی‌ها جز تبلیغ مستقیم و زحمت و بی‌سلیقه و بی‌زحمت معمولاً کار دیگری نمی‌کنند ارسال چنین خبرهایی از سوی آنها عادی شده در متون کلاسیک می‌گویند خبر چیزی است که کسی منتظر شنیدن آن باشد. امروز با سرعت ردوبدل اطلاعات و ارزانی و امکان دسترسی آسان‌تر به منابع و انبوهی آن، تعاریف تا حدی تغییر کرده‌اند فارغ از همه محدودیت‌ها - به‌ویژه در کشور ما- خبر زمانی ارزش دارد که راست و کوتاه و کامل و به‌هنگام و روان‌خوان باشد و از همه اینها مهم‌تر در جامعه، متقاضی داشته باشد. خبری که چه به‌لحاظ ماهیت و چه از نظر نوع تنظیم و کیفیت، رغبتی بر نمی‌انگیزد، نه به درد رسانه می‌خورد و نه جامعه تهیه‌کننده خبر باید ضمن بیان واقعه به سوالات کلیدی شامل چرا و چگونه و کی و کجا و توسط چه‌کسی پاسخ دهد، میانگین هوشی مخاطب را در نظر بگیرد، پرسش‌های او را خلاصه‌حس بزند و پاسخ همه آنها را خیلی موجز مطرح کند یا بگوید که پاسخ این پرسش به این دلیل قابل فهم مقدور نشد. خبری که کامل نیست مثل یک موجود ناقص‌الخلقه، معیوب است. کار گردش ناقص است و مخاطب از خواندن آن راضی نیست. اشکال این است که خبرنگار، در حالت دینامیکی بین قدرت قضاوت مخاطب و اصل خبر را در نظر نمی‌گیرند یا بدون روربایستی تبلیغ یا به حداقل‌های ناکافی رضایت می‌دهند. برداشتن عین خبر از منابع آماده - اگر منبع معتبر نباشد که خودش فاجعه‌ای دیگر است- یک شبهه‌بیماری حرفه‌ای است. متأسفانه باید گفت همین آشفتنی‌هاست که باعث فاصله‌گیری از استانداردهای حرفه‌ای شده. اخبار کسالت‌آور به‌همین دلیل زیاد است. رسانه‌ها زمان یا حجم برنامه یا صفحات خود را پر می‌کنند و به اعتبار خود به‌شدت آسیب می‌رسند. همین‌هاست که مخاطب را به این نتیجه‌گیری ساده و کلی درباره رسانه‌ها می‌رساند که: «همه‌شون مثل هم هستند» اجازه می‌خواهم از کنار دروغ‌پردازی‌های برخی رسانه‌ها تحت عنوان «خبر» بگذرم. داستان آنها جلست.

برداشت آخر

هنرمندان و وزرا امروز برای حل معضل محیط‌زیست گرد هم می‌آیند

خیلی زود، دیر می‌شود

عسل عباسیان

«هوا به اندام‌های آلوده است که کودکان در بیمارستان‌ها بستری می‌شوند»، اما همه نگران کودکان خود هستیم، «راحل عاجل بیرون رفتن از تهران است»، «خانواده‌هایی که کودک بیمار یا خردسال دارند از تهران بروند، این راه سریع‌ترین راه برای گریز از آلودگی هواست» اینها بخشی از مکالماتی است که روزانه بین زیادی از مردم رد و بدل می‌شود، نگرانی از آلودگی هوا که مدام هر روز و هر شب شنیده می‌شود، درباره دلایل هم نکته‌هایی می‌گویند نظیر اینکه «کیفیت بنزین غیراستاندارد عامل اصلی آلودگی شهرهاست». جالب‌تر آنکه اعضای شورای شهر تهران و «معضومه ابتکار»، رئیس سازمان محیط‌زیست هم اینگونه سخنان را تأیید و مطرح می‌کنند. در چنین مواقعی، بسیاری از فرهیختگان که دغدغه‌هایی درباره این مسایل دارند، اظهارنظر می‌کنند یا راحل‌های شخصی‌شان را بیان می‌کنند: راحل‌هایی مثل کمتر استفاده کردن از ماشین‌های شخصی یا حتی کار کوچکی همچون برداشتن آشغال‌هایی که سر راه هر کدام از ما ریخته شده‌اند.



«تهمینه میلانی»، کارگردان و فیلمنامه‌نویس درباره این مسایل می‌گوید: «اما نباید منتظر به‌نامیم دولت برای ما کاری بکند. باید شخصاً اقدام کنیم. باید در جبران کمبودهایی که وجود دارد، خودمان را سهیم کنیم. من خودم را در کاهش آلودگی هوا این طور سهیم کرده‌ام که اگر قبلاً هفته‌ای هفت روز با ماشینم بیرون می‌آمدم، حالا همان مسیری که طی کردم با ماشین پنج‌دقیقه و پیاده ۲۰ دقیقه زمان می‌برد را الاقل هفته‌ای پنج‌روز پیاده طی می‌کنم. حواسم بیشتر از قبل به محیط‌زیست است. تا جایی که بتوانم محیط‌های عمومی را تمیز نگه می‌دارم. اگر آشغالی روی زمین ببینم، برمی‌دارم. با اینکه پرخاشگری زیاد است اما با خودم تمرین کردم که اصلاً مقابله به مثل نکنم و آرامش را حفظ کنم. اگر قرار است با دوستانم قرار بگذارم و جایی بروم تلاش می‌کنم به‌جای اینکه با چند ماشین برویم، همه با یک‌جا جمع شده و با یک ماشین از خانه بیرون بزنیم و حتما هر چند وقت یک‌بار از تهران خارج می‌شویم تا گاهی ریه‌هایمان استراحتی بکند.» «میلانی» در ادامه از همراهی مردم در کنار هم برای حل مسایل اطراف می‌گوید: «من اصلاً معتقد نیستم که با یک گل بهار نمی‌شود»، حتی اگر هر کداممان یک گل هم بکاریم، شاید بهار نیاید اما یک باغچه هم بشویم کنار هم بهتر است تا اینکه هیچ‌گلی نداشته باشیم. بارها شده وقتی برای انجام کاری به بانک رفتم، خیلی‌ها گفتند که خانم میلانی شما توی صف‌هایست اما من ایستادم چون خودم را در قبال دیگران و حقوقشان مسؤول می‌دانم. «میلانی» البته به نقش چشمگیر رسانه‌ها و از جمله تلویزیون به ایجاد فرهنگ نوع‌دوستی و احترام متقابل به یکدیگر و البته طبیعت اشاره می‌کند. نقشی که می‌توانست تاکنون بهتر از

مرگ مولف

فقدان «پرتو» و ماجرای «هدایت»

سعید برآبادی

سینماگران می‌گویند یکی از چیره‌دست‌های صنعت سینما را از دست داده‌اند، کسی که کارها و زاویه‌هایش، «طوقی»، «فیصر» و «هزارداستان» را برپایان جاودانه کرد. اما کمتر کسی فیلمبردار در گذشته‌مان را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های پازل شناخت «صادق هدایت» می‌شناسد. مازیار پرتو، پسر «شین پرتو» است؛ مردی که هدایت را به بمبئی دعوت می‌کند و با پشتیباری که دارد، نویسنده جوان و دل‌زده از دنیا را وادار می‌کند بوف‌کور را با یک ماشین تحریر تایپ کند و ۵۰ نسخه از آن را در



شین پرتو، پسر صادق هدایت

سرزمین هند متولد کند. فروردین امسال به‌طور اتفاقی در پانویشت کتاب «رزایی آثار و آرای صادق هدایت» مریم دانایی‌پرومند، متوجه ارتباط شین‌پرتو با مازیار پرتو شدم. شین‌پرتو یا دکتر علی‌شیرازپور، پدر مازیار پرتو و پدر بزرگ ویشکا آسایش بود که ۱۶ سال پیش دارفانی را وداع گفته و پسرش می‌توانست روایت تازه‌ای از زندگی پدرش و پدر داستان‌نویسی مدرن ایران برای مشتاقان هدایت داشته باشد، اما به علت بیماری‌های پشت‌سر هم آقای پرتو، هیچ‌گاه فرصت نشد قرار برای مصاحبه بگذاریم و در نهایت او رفت و با خود بخش مهمی از تاریخ کمتر مورد توجه قرار گرفته داستان‌نویسی در ایران را با خود برد. شین‌پرتو که روزگاری از دوستان هدایت بود، با نوشتن کتاب «بیگانه‌ای در بهشت» عمل‌رودروی هدایت ایستاد و بعید نبود که نشستن پای سخن پدرش بتواند این امکان را به تاریخ ادبیات ایران بدهد که هدایت را از زاویه دیگر ببیند و بشناسند. فرصتی که البته چهارشنبه‌شب برای همیشه از بین رفت.

sharhaily.ir

آموزشگاه آزاد سینمایی موج‌نو

بامجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۳۰/۶۱۳۰

بازیگری کارگردانی فیلم‌نامه‌نویسی

مدیر مسئول و مدیر آموزش: هوشمند ورعی

۸۸۸۸۹۶۷۰ www.mojenofilmschool.com

از هر نظر بی‌ضرر

از قدیم گفتند

وقتی بزنی زمین هوا می‌رود

● پوریا عالمی: رئیس کمیسیون ایمنی و مدیریت بحران شورای اسلامی شهر تهران حادثه آتش‌سوزی جمهوری را زنگ‌خطر برای ساختمان‌های مناطق ۱۱ و ۱۲ شهرداری دانست. (ایسنا)
خب شهروندان ساکن و کارگران شاغل در این مناطق، از همین الان یا شوید بروید باشگاه و بادی‌بیلدینگ کنید تا دستان قوی شود. جدی می‌گویم. اینها تا دیروز رسماً تقصیر را انداخته‌اند. گردن ضعف دستان آن دو زن کارگر. فردا اگر اتفاقی بیفتد می‌گویند ما که قبلاً هشدار دادیم که ساکنان این مناطق باید به‌صورت آماده‌باش و نیزم لب پنجره آویزان بمانند. بعد هم وی در گرانبها سفته و افزود: «ساختمان‌های این مناطق، آبستن چنین حوادثی هستند.» ساختمان‌های مناطق ۱۱ و ۱۲ گفتند: «کی ما را آبستن حوادث کرده؟» این «رئیس کمیسیون ایمنی و مدیریت بحران» همان «خاتم معصومه آباد» عضو شورای شهر است که بعد از حادثه خیابان جمهوری گفت: «اینگونه مشکلات «طبیعی» است و خیلی از مواقع چرخ هواپیما باز نمی‌شود یا ترمز ماشین گرفته نمی‌شود، وقتی خاتم آباد نمی‌داند به کدام بلایا می‌گویند «طبیعی»، چطور می‌شود «رئیس کمیسیون ایمنی و مدیریت بحران»؟

دیالوگ

«مدیریت بحران، سلام. ببخشید، دارد زلزله می‌آید. همه ماندنند زیر آوار»/ «زلزله؟ زلزله که طبیعی است. تا حالا خودت خربزه خوردی به پایش نلرزیدی؟»/ «خیابان نشست، ۴۰ تا خانه و ۳۰ تا ماشین رفتند تو»/ «نشست؟ نشست که طبیعی است. تا حالا خودت ننشستی؟»/ «هواپیما سقوط کرد. همه رفتند هوا»/ «اسقوط؟ هوا؟ کاملاً طبیعی است. از قدیم گفتند وقتی بزنی زمین هوا می‌رود»/ «ماشینتان را بدجایی پارک کرده بودید. جریمه شدید»/ «چی؟ چه غیرطبیعی‌ای‌وای... باید به داد مردم رسید. این حق هر شهروند ایرانی است که بتواند پارک دوبل کند! ای‌وای‌وای‌وای... مساله مرگ و زندگی است. حالا چقدر جریمه‌ام کردند؟»/ «ببخشید، شما مسؤولان، حیف هستید. من دوباره به‌جای شماها استعفا می‌دهم»

سامسونگ
SAMSUNG

جشنواره زمستانه

NX1000

عکاسی هوشمند با سامسونگ

تا ۲۹٪ تخفیف فقط تا اول اسفند

Samsung SMART CAMERA

فقط با ضمانت سه‌ماهه سرویس

مرکز تماس: ۸۲۵۵-۰۲۱

SAMSUNG

برای اطلاع از قوانین و مقررات حتماً به سایت سام سرویس مراجعه فرمایید.